

بررسی آخرین وضعیت روابط اقتصادی - انرژی مصر و اسرائیل

سیدقاسم ذاکری^(۱)

۵۹

چکیده

مطابق ماده دوم پروتکل الحاقی به پیمان کمپ دیوید (۱۹۷۹)، مقرر شد رژیم صهیونیستی اسرائیل و مصر، روابط اقتصادی - تجاری متقابل را توسعه دهند. طبق این توافق مصر و اسرائیل نسبت به عقد قراردادهای متعدد در زمینه انرژی (گاز) و صادرات کالا مبادرت کردند. این قرارداد بیشتر لفافه‌ای بود برای پاکیزه‌سازی چهره مخدوش اسرائیل در سال‌های پس از جنگ. اکنون پس از انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱ گمان می‌رود این قراردادها ملغی و در پی آن نقش مطرود اسرائیل در جهان غرب احیاء شود. این مقاله به کیفیت پیوند اسرائیل - مصر طی سه دهه حکومت حسنی مبارک و آینده این مناسبات در پرتو تحولات اخیر جهان عرب می‌پردازد.

واژگان کلیدی: پروژه کوئیز، کمپ دیوید، صادرات گاز، مناسبات عربی - اسرائیلی، همگرایی منطقه‌ای، بحران تصویر

مقدمه

از اوایل دهه هشتاد میلادی، در پی امضای قرارداد صلح دوجانبه میان مصر و اسرائیل تاکنون روابط طرفین مصری و اسرائیلی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی - در سطوح رسمی آن - همواره رو به گسترش بوده است و این امر به‌رغم ادامه سوء تفاهمات ریشه‌دار در

۱. کارشناس ارشد مسایل خاورمیانه در وزارت امور خارجه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال دوازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰، صص ۸۰-۵۹

میان سطوح مردمی و غیررسمی دو طرف همچنان ادامه دارد. مقاله حاضر بر آن است با تکیه بر ابعاد اقتصادی، تجاری به بررسی آخرین وضعیت روابط دوجانبه مصر و اسرائیل بپردازد.

مهمترین زمینه‌های روابط اقتصادی میان مصر و اسرائیل:

مبنای حقوقی از سرگیری و گسترش روابط اقتصادی و تجاری میان مصر و اسرائیل، ماده دوم پروتکل الحاقی به قرارداد صلح طرفین در سال ۱۹۷۹ است به پروتکل روابط دو جانبه معروف می‌باشد؛ در ماده مزبور تصریح شده است:

۱- طرفین موافقت می‌کنند که متعاقب پایان عقب‌نشینی مرحله‌ای نسبت به از بین بردن تمامی موانع دارای ویژگی تبعیض در یک روابط عادی اقتصادی همچنین الغای تحریم اقتصادی هر یک علیه دیگری اقدام نمایند.

۲- دو طرف در اولین فرصت و در مدت زمانی که بیشتر از شش ماه پس از اتمام عقب‌نشینی مرحله‌ای نباشد به هدف انعقاد قرارداد تجاری و توسعه روابط اقتصادی دارای نفع متقابل وارد مذاکرات در موضوع از سرگیری روابط اقتصادی خواهند شد.^۱

شروع جدی و علنی تلاش‌ها برای گسترش روابط اقتصادی دو جانبه از نیمه دوم دهه نود میلادی و بطور مشخص از سال ۱۹۹۶ یعنی زمان پیشنهاد امریکا به طرفین مصری و اسرائیلی در انعقاد قرارداد مناطق صنعتی کیفی موسوم به کوئیز می‌باشد. تا قبل از این زمان بیشتر ارتباطات اقتصادی طرفین محرمانه و بصورت ابتکارات و معاملات و همکاری‌های مشترک میان برخی تجار و سرمایه‌داران کلان مصری و اسرائیلی و به‌ویژه در قالب معاملات مشترک در بخش خصوصی بوده است. وجود فضای منفی افکار عمومی مصری علیه اسرائیل و بی‌اعتمادی عمیق طرفین نسبت به یکدیگر (با وجود انعقاد قرارداد صلح) از مهمترین دلایل ماهیت طبقه‌بندی و غیرآشکار معاملات دو جانبه مصر و اسرائیل با یکدیگر بوده است، به طوری که ویژگی غیرشفاف و غیرعلنی معاملات یاد شده تا حدود قابل توجهی شامل روابط اقتصادی طرفین هم شده است. با این حال وب‌سایت رسمی وزارت خارجه اسرائیل در نوامبر ۲۰۰۷ بمناسبت سی‌امین سالگرد سفر سادات به اسرائیل گزارش مختصری را به زبان عربی از مهمترین رویدادهای روابط دو جانبه مصر و اسرائیل

در ابعاد مختلف آن منتشر نمود. در اینجا با استناد به منبع ذکر شده به برخی از مهمترین وجوه روابط مزبور در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی به صورت خلاصه اشاره می‌گردد:

۱- تشکیل کمیسیون مشترک نظامی که از زمان امضای قرارداد صلح تاکنون دوبار در سال به منظور تماس مسئولان ارشد نظامی مصری و اسرائیلی با یکدیگر، همچنین انجام هماهنگی‌های امنیتی و نظامی لازم میان طرفین برگزار می‌شود. ۲- کمیسیون مشترک اقتصادی که در کنار کمیسیون مشترک کشاورزی همه ساله برگزار می‌گردد.

۳- کمیسیون مشترک کشاورزی میان مصر و اسرائیل که قدیمی‌ترین و فعال‌ترین کمیسیون مشترک (در مقایسه با کمیسیون‌های نظامی و اقتصادی) می‌باشد و از سال ۱۹۸۱ تاکنون بطور مرتب سالانه دو بار برگزار می‌گردد. کمیسیون مشترک کشاورزی تاکنون صدها پروژه و طرح مشترک کشاورزی میان مصر و اسرائیل را هدایت و سازماندهی کرده است چنانکه احداث ده‌ها مزرعه مشترک کشاورزی و یا شرکت هزاران کارآموز مصری در برنامه‌های آموزش کشاورزی در اسرائیل از مهمترین پروژه‌های مشترک طرفین و نتیجه فعالیت کمیسیون مشترک کشاورزی بوده است.^۲

بر اساس گزارش وب سایت التواصل (وبسایت رسمی وزارت خارجه اسرائیل به زبان عربی) دو پروژه کوئیز و صادرات گاز مصر به اسرائیل نقطه عطفی در گسترش روابط اقتصادی طرفین در سال‌های اخیر بوده است. با این حال چندان دور از وهم نخواهد بود که روابط اقتصادی میان دو کشور غیر از موارد یاد شده شامل زمینه‌های دیگری مانند نفت، انرژی، بازرگانی، جهانگردی، خدمات و بانکداری باشد. همچنین ممکن است این همکاری‌ها در زمینه‌های غیراقتصادی دیگری مانند علوم و فنون نیز گسترش یابد، چنانکه وبسایت رسمی وزارت خارجه اسرائیل در گزارش یاد شده اشاره آشکار به همکاری‌های گسترده طرفین مصری و اسرائیلی در زمینه‌های گردشگری، راه و ترابری، ارتباطات، بهداشت و سایر زمینه‌ها نموده است.^۳ در کنار این موارد، نفوذ سرمایه‌داران بزرگی چون حسین سالم، محمد ابراهیم کامل، نجیب ساویروس در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی مصر و سود بسیار ایشان از همکاری اقتصادی با اسرائیل و آمریکا از یک سو

و تمرکز عمده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های اقتصاد توسعه مصر در مجاورت مرزهای اسرائیل (جهانگردی، کشاورزی، شهرسازی و انرژی در سینا) و یا با مشارکت اسرائیل (مانند کوئیز) از سوی دیگر نشان‌دهنده جایگاه مهم همکاری اقتصادی با اسرائیل در برنامه‌های اقتصاد توسعه مصر می‌باشد. سیاست جدید اقتصادی دولت مصر در الغای مبانی حقوقی و تأسیسی اقتصاد سوسیالیستی و رویکرد اتصال به فرآیند اقتصاد جهانی باعث افزایش توجه برنامه‌ریزان اقتصادی مصر به مطالبات هژمون اقتصاد بین‌الملل (آمریکا) و در نتیجه اهتمام بیشتر به همکاری گسترده اقتصادی با اسرائیل شده است. شاید مناسب‌ترین مثال برای این گفته‌ها اقدام آمریکا باشد که یکی از مهمترین شروط انعقاد قرارداد دو جانبه منطقه آزاد تجاری با مصر را منوط به پذیرش طرح و قرارداد سه جانبه کوئیز از طرف مصر نمود.^۴ از آنجا که دو پروژه کوئیز و صادرات گاز مصر به اسرائیل از مهمترین سرفصل‌های همکاری اقتصادی طرفین قلمداد می‌شود از این رو مقاله حاضر تلاش دارد تا با تمرکز بر این دو زمینه با نگاهی علمی و در چارچوب مباحث صرف اقتصادی به بررسی آخرین رویدادها در روابط دو جانبه اقتصادی مصر و اسرائیل بپردازد.

بررسی آخرین وضعیت پروژه کوئیز

۱- **آشنائی با پروژه کوئیز:** قرارداد کوئیز بیشتر از این جهت حائز اهمیت است که بنا به ادعای اطرافیان مصری و اسرائیلی مهمترین زمینه همکاری اقتصادی مشترک آشکار و غیر طبقه‌بندی میان طرفین به حساب می‌آید اما نکته جالب آنکه به‌رغم ادعای مزبور به‌خاطر تعدد و تنوع شدید میان داده‌ها و آمارهای ارائه شده از سوی آمریکا، اسرائیل و مصر و مهمتر از آن اختلاف شدید میان داده‌های مؤسسات مختلف اقتصادی در داخل مصر در موضوع کوئیز عملاً هیچ آمار و ارقام دقیق و قابل اعتمادی در خصوص وضعیت واقعی پروژه اقتصادی یاد شده در دست نمی‌باشد.^۵

قرارداد کوئیز که مخفف اصطلاح انگلیسی *qualifying industrial zones* یا «مناطق صنعتی کیفی» می‌باشد عبارت است از قرارداد اقتصادی سه جانبه میان مصر،

اسرائیل و آمریکا (که در ادامه تجربه پیشین اردن) در سال ۲۰۰۴ میلادی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد امضای توافقنامه صلح میان مصر و اسرائیل (کمپ دیوید) و به‌عنوان پروتکل ضمیمه به توافقنامه یاد شده امضا گردیده و از فوریه ۲۰۰۵ مورد اجرا قرار گرفته است؛^۶ بر اساس قرارداد کوئیز مقرر گردید که محصولات تولیدی در زمینه پوشاک و نساجی در قلمرو خاصی از سرزمین مصر در صورت برخورداری از ۱/۸ درصد عوامل تولیدی اسرائیلی بتوانند بدون پرداخت عوارض گمرکی و یا با پرداخت مبلغ ناچیزی وارد بازار مصرف آمریکا شوند (معافیت کالاهای تولیدی از پرداخت عوارض گمرکی).^۷ هرچند فعلاً قرارداد کوئیز تنها محدود به صنایع نساجی و پوشاک می‌باشد اما بعید نیست در آینده به سایر زمینه‌ها و از جمله صنایع غذایی نیز تسری یابد.^۸

۶۳

براساس تعبیراتی که در اکتبر ۲۰۰۷ در پروتکل کوئیز صورت پذیرفت، حوزه مناطق تحت پوشش کوئیز در مصر از مناطق تعیین شده قبلی در سه استان قاهره، اسکندریه و سوئز به هشت استان دیگر در منطقه الصعيد گسترش یافت،^۹ این موضوع با افزایش تعداد شرکت‌های مصری فعال در زمینه کوئیز بطور طبیعی موجب بیشتر شدن واردات مصر از اسرائیل خواهد شد. شایان ذکر است هر چند مصری‌ها نسبت به سودآوری شرکت‌های خود به‌میزان ۱۵-۱۰ میلیون دلار در سال - به‌خاطر کاهش سهم کالا و خدمات اسرائیلی ابراز رضایت می‌کنند (بدون توجه به سود اسرائیل در پی گسترش حوزه‌های کوئیز در مصر) اما روزنامه انگلیسی زبان EGYPTION GAZETTE مورخ ۲۴ اکتبر ۲۰۰۷ به نقل از محمد قاسم مسئول دایره کوئیز در مصر تصریح می‌کند که، کاهش سهم کالا و خدمات اسرائیل در پروژه کوئیز بیشتر جنبه سمبولیک داشته و این امکان وجود دارد که در آینده کمیته مشترک کوئیز مبادرت به افزایش و یا کاهش بیشتر سهم کالا و خدمات اسرائیلی در مناطق صنعتی کوئیز در مصر نماید.^{۱۰} (سهم کالا و خدمات اسرائیل در پروژه کوئیز اردن حدود ۸ درصد تعیین شده است).

۲- اهمیت صنایع نساجی در توسعه پایدار مصر: با توجه به نقش صنایع

نساجی در تاریخ توسعه بسیاری از کشورها می‌توان به اهمیت صنعت مزبور به‌عنوان یکی

از مهمترین محورهای توسعه پایدار پی‌برد در این رابطه تنها کافی است به نقش انقلاب صنعتی در صنایع نساجی انگلستان، ژاپن و یا ایالات متحده آمریکا که نقطه عزیمت به سمت توسعه پایدار بود توجه نمود؛ بنابراین بی‌دلیل نیست که مصری‌ها به واسطه سابقه دیرینه و تاریخی خود در صنایع نساجی و برخوردارگی از امکانات طبیعی، تاریخی، نیروی انسانی فراوان و ماهر و هزینه تولیدی اندک به صنایع نساجی خود به دیده مرکز ثقل توسعه پایدار بنگرند، چنانکه تا قبل از بروز بحران‌های دهه نود در صنایع نساجی مصر این بخش از اقتصاد نقشی راهبردی و اساسی در اقتصاد و توسعه ملی مصر داشته است بگونه‌ای که مصری‌ها همواره قادر بوده‌اند با کمترین سرمایه‌گذاری بیشترین تعداد نیروی انسانی را در این بخش به کار گمارند.^{۱۱}

لازم است خاطر نشان سازیم که صنایع نساجی در مصر علاوه بر بعد اقتصادی آن نقش مهمی در تاریخ سیاسی معاصر مصر و اوضاع اجتماعی آن داشته است چنانکه صنایع نساجی از مهمترین ارکان توسعه و نوسازی کشور در زمان محمد علی پاشا (بنیانگذار مصر نوین در اواخر دوران امپراتوری عثمانی) در هر دو زمینه کشاورزی و صنعتی بوده است و مصری‌ها خود مدعی‌اند که در آن زمان نیمی از کل تولیدات پنبه‌ای دنیا را در اختیار داشته‌اند.^{۱۲}

۳- تاثیر کوئیز بر گسترش روابط اقتصادی مصر و اسراییل: اگر جدول مبادلات تجاری میان مصر و اسراییل را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ بررسی نمائیم بوضوح تأثیر و اهمیت کوئیز را بر گسترش روابط تجاری میان مصر و اسراییل درمی‌یابیم در این خصوص مناسب است جدول زیر را در نظر بگیریم:

جدول شماره یک: مبادلات تجاری میان مصر و اسرائیل (بدون نفت و گاز) بر اساس گزارش

اداره آمار اسرائیل به میلیون دلار

سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
صادرات (مصر به اسرائیل)	۲۰	۲۰/۳ (۲)	۲۲/۳ (۱۰)	۲۹ (۳۰)	۴۹/۱ (۶۹)
واردات (مصر از اسرائیل)	۴۵/۱	۲۶/۲ (۴۲)-	۲۶/۴ (۱)	۲۹/۴ (۱۱)	۹۳/۲ (۲۱۷)
تراز بازرگانی	-۲۵/۱	-۵/۹	-۴/۱	-۰/۴	-۴۴/۱

منبع: تقریر الاتجاهات الاقتصادية الاستراتيجية ۲۰۰۶- موسسه الاهرام، ص ۷۴

۶۵

بر اساس جدول مزبور میزان واردات مصر از اسرائیل در سال ۲۰۰۵ حدود ۹۳/۲ میلیون دلار بوده است که در مقایسه با رقم ۲۹/۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ در می‌یابیم واردات مصر از اسرائیل در سال ۲۰۰۵ دست کم ۲۱/۷ درصد بیشتر از سال قبل بوده است. در تأیید فرضیه نقش کوئیز در گسترش روابط اقتصادی میان مصر و اسرائیل می‌توانیم نگاهی به جدول واردات مصر از اسرائیل در فاصله زمانی ژانویه - سپتامبر ۲۰۰۴ لغایت ژانویه - سپتامبر ۲۰۰۵ بیاندازیم:

جدول شماره دو: اهم واردات مصر از اسراییل در سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۵ (بدون نفت و گاز)

براساس گزارش اداره آمار اسراییل به میلیون دلار

کالا	ژانویه - سپتامبر ۲۰۰۴	ژانویه - سپتامبر ۲۰۰۵
منسوجات	۴/۹	۲۲/۳ (۳۵۵)
مواد شیمیائی	۸/۵	۱۸/۴ (۱۱۶)
چوب و کاغذ	۳/۷	۸/۸ (۱۳۸)
پلاستیک و کائوچو	۱/۵	۵/۳ (۲۵۳)
ماشین آلات	۱/۲	۳/۳ (۱۷۵)
مواد معدنی	۲/۲	۱/۹ (-۱۴)
غیره	-۲/۸	-۶/۶ (۱۳۶)
جمع	۲۲/۶	۶۴/۷ (۱۸۶)

منبع: تقریر الاتجاهات الاقتصادية الاستراتيجية ۲۰۰۶-الاهرام ص ۷۶

پس به راحتی با در نظر گرفتن افزایش ۳۵۵ درصدی واردات منسوجات از اسراییل به مصر در سال ۲۰۰۵ میلادی در مقایسه با سال قبل از آن اهمیت پروژه کوئیز در ارتقای جهشی روابط بازرگانی مصر و اسراییل روشن می شود.

در تأیید فرضیه نقش پروژه کوئیز در ارتقای روابط اقتصادی مصر و اسراییل می توان به ادعای روزنامه اسراییلی ها ارتص مورخ ۱۰ اکتبر ۲۰۰۷ استناد نمود که میزان مبادلات

تجاری میان مصر و اسرائیل را رقم ۲۰۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ در مقابل ارقام ۶۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ و ۱۴۲ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ برآورد نمود (وبسایت رسمی وزارت خارجه اسرائیل ب زبان عربی هم ارقام مزبور را تایید کرده است).^{۱۳} در همین رابطه روزنامه الاهالی مورخ سوم اکتبر ۲۰۰۷ به نقل از وزیر صنعت و بازرگانی مصر برآورد کرده است واردات مصر از اسرائیل تا اکتبر ۲۰۰۷ حدود ۱۱/۴ میلیون دلار بیشتر از سال قبل بوده است.^{۱۴}

هفته نامه العربی شماره ۱۰۸۲ مورخ ۱۱ نوامبر ۲۰۰۷ با استناد به گزارش مرکز صادرات اسرائیل بیان می دارد که دو کشور مصر و اردن حدود ۲۹ درصد از کل صادرات اسرائیل به جهان عرب را به خود اختصاص داده اند این در حالی است که رقم صادرات اسرائیل به دو کشور یاد شده در نیمه اول سال ۲۰۰۶ دست کم ۱۴۰ میلیون دلار تخمین زده شده است؛ هفته نامه مزبور با اشاره به افزایش کمی و کیفی واردات مصر از اسرائیل (افزایش ۹ درصد واردات مصر از اسرائیل در سال ۲۰۰۶) معتقد است هم اکنون مصر حداقل ۱۲۳ نوع کالا و از جمله محصولات کشاورزی و باغداری را از این کشور وارد می کند^{۱۵} چنانکه کمیته مصری مبارزه با استعمار و صهیونیسم فهرست بخش های قابل توجهی از اقلام وارداتی اسرائیل به بازار مصر را اعلام کرده است. وبسایت اسلام گرای موسوم به المصریون در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷ بنقل از روزنامه آلمانی زبان اشپیگل مدعی شده که اسرائیل در فاصله سال های ۲۰۰۶-۲۰۰۲ حدود ۱۰۸ میلیون دلار ماشین آلات، مواد شیمیایی و محصولات کشاورزی به مصر صادر کرده و متقابلاً در طی همین مدت زمان ۱۸۰ میلیون دلار کالا و خدمات از مصر وارد اسرائیل شده است.^{۱۶}

هفته نامه الکرانه (معارض حاکمیت و مخالف عادی سازی روابط عربی - اسرائیلی) مورخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۷ در گزارشی بنقل از مدیر کل مرکز توسعه صادرات و همکاری های بین المللی در اسرائیل ادعا کرده است میزان صادرات این دولت به مصر در فاصله زمانی فوریه ۲۰۰۵ لغایت فوریه ۲۰۰۶ حدود ۱۶۸ درصد بیشتر از مدت زمان مشابه در سال قبل بوده است. بنابراین بر اساس محاسبه مقام اسرائیلی مزبور رقم صادرات این رژیم

به مصر ماهانه ۸/۳ میلیون دلار بوده است که در مقایسه با ارقام قبل از فوریه ۲۰۰۵ یعنی صادرات ماهانه یک میلیون دلار متوجه جهش قابل توجه در میزان واردات مصر از اسرائیل از سال ۲۰۰۵ به بعد می‌شویم.^{۱۷} الکرانه به نقل از مقام اسرائیلی یاد شده ضمن تأیید ارقام صادرات اسرائیل به مصر از سال ۲۰۰۳ لغایت ۲۰۰۵ برحسب داده‌های جدول شماره یک گزارش پیش رو مربوط به مبادلات تجاری میان مصر و اسرائیل (جدول ص ۵) رقم کمی صادرات اسرائیل به مصر در سال ۲۰۰۶ را ۱۲۵ میلیون دلار برآورد کرده و به اهمیت نقش کوئیز در افزایش صادرات اسرائیل به مصر تاکید نموده است.^{۱۸} الکرانه به نقل از مدیر کل مرکز توسعه صادرات و همکاری‌های بین‌المللی اسرائیل تأیید می‌کند در سال ۲۰۰۶ رقم کمی شرکت‌های صادرکننده اسرائیلی به مصر ۱۱۰ درصد افزایش یافته و در سال یاد شده ۲۵۷ شرکت اسرائیلی در زمینه‌های مختلف در کار صادرات به مصر بوده اند. الکرانه با استناد به برآوردهای اسرائیلی پیش‌بینی کرده تا پایان سال ۲۰۰۷ حجم واردات مصر از اسرائیل حداقل به ۲۰۰ میلیون دلار برسد.^{۱۹}

علاوه بر موارد مذکور در تأیید نقش کوئیز در ارتقای روابط اقتصادی مصر و اسرائیل می‌توان به تعداد شرکت‌های اسرائیلی فعال در مصر اشاره نمود، چنانکه طبق برآورد روزنامه‌ها ارتص مورخ ۲۰۰۵/۱۲/۱۷ قرار بر این بوده است که تعداد این شرکت‌ها از ۱۲۰ شرکت در سال ۲۰۰۵ به ۱۵۰ شرکت در سال ۲۰۰۶ افزایش یابد. عمده شرکت‌های اسرائیلی فعال در مصر در زمینه پوشاک و منسوجات فعالیت دارند.^{۲۰}

۴- مهمترین دستاوردهای کوئیز برای صنایع نساجی مصر: واقعیت آن است که کوئیز نقش بسزائی در افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مناطق کیفی صنعتی داشته است که البته عمده سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌های مزبور عاید مؤسسات و شرکت‌های سرمایه‌گذاری غیرمصری می‌شود، به‌عنوان مثال بر اساس داده‌های منابع رسمی در مصر بخش قابل توجهی از مبادلات تجاری میان مصر و ترکیه (به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار در پایان ۲۰۰۷) مربوط به سرمایه‌گذاری کلان بخش خصوصی ترکیه در مناطق صنعتی کیفی در مصر و مشارکت فعالانه ترک‌ها در پروژه کوئیز مصر می‌باشد. (درست مانند

انتفاع شرکت‌های ترک در پروژه کوئیز اردن).^{۲۱} طبعاً علاوه بر ترکیه شرکت‌های خارجی دیگری هم در مناطق صنعتی کیفی سرمایه‌گذاری و مشارکت دارند که طبیعتاً جزئیات آنها چندان آشکار نمی‌باشد.

هم اکنون گفته می‌شود ۶۹۰ شرکت کوچک و بزرگ نساجی در مصر تحت پوشش پروژه کوئیز قرار گرفته‌اند که البته محصولات بمراتب کمتری از مجموعه‌های مزبور وارد بازارهای آمریکا می‌شود به عبارت دیگر برآورد شده است که محصولات ۲۰۰ شرکت نساجی شریک در کوئیز ضمن برخورداری از معافیت گمرکی توان ورود به بازارهای آمریکا را دارند.^{۲۲} مقامات ارشد مصری اعلام کرده‌اند از زمان اجرائی شدن طرح کوئیز در سال ۲۰۰۵ تا اکتبر ۲۰۰۷ حدود ۱/۳ میلیارد دلار محصولات مناطق کوئیز به بازارهای آمریکا صادر شده است به طوری که براساس ادعای مقامات مزبور در این میان فقط ۱۵۰ میلیون دلار سهم واردات اسرائیل به مناطق کوئیز بوده است.^{۲۳}

در هر حال بدون شک از زمان اجرائی شدن قرارداد کوئیز میزان کمی واردات منسوجات مصری به بازارهای آمریکا بیشتر شده است و در این رابطه هر چند هم که بخواهیم اختلافات و تعارضات فاحش میان داده‌های آماری در موضوع کوئیز را در نظر نگیریم باز نمی‌توان منکر افزایش میزان ورود محصولات نساجی مصر به بازار آمریکا شد چنانکه حتی منتقدین کوئیز بر این باورند که صادرات پوشاک مصر به آمریکا در سال ۲۰۰۵ دست کم ۸ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش داشته است^{۲۴} که البته جهات رسمی این ادعا افزایش چهل درصدی صادرات پوشاک مصر به آمریکا در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ در مقایسه با دو سال قبل از آن می‌باشند^{۲۵} با این حال واقعیت آن است که آمریکایی‌ها نفع اقتصادی چندانی از پروژه کوئیز نمی‌برند بنابراین به‌جز معدود سرمایه‌داران مصری و اسرائیلی بعید است کوئیز تأثیر قابل توجهی بر ساختار کلان اقتصاد خارجی مصر و یا اسرائیل داشته باشد بنابراین کوئیز بیشتر یک توافق‌نامه سیاسی به‌نظر می‌رسد تا قراردادی صرفاً اقتصادی.^{۲۶} از دیگر سو در حالی که سابقه اعطای مزایای معافیت از عوارض گمرکی در بازار آمریکا برای محصولات پوشاک برخی کشورهای در حال توسعه

به سال‌ها قبل از امضای کوئیز در خاورمیانه باز می‌گردد بسیار بعید خواهد بود که تداوم روندهای برخورداری از ترجیحات تعرفه‌ای بتواند بدون توجه به دیگر عوامل و متغیرهای نوین رقابت جهانی بهره‌مندی خاصی را نصیب صنایع نساجی کشورهای در حال توسعه کند؛^{۲۷} چنانکه علاوه بر مسائل مزبور مغایرت نظام‌های تعرفه ترجیحی با اصول تجارت آزاد و مقررات WTO احتمال پایداری چنین روندهایی را در آینده با مخاطرات و ریسک‌هایی نموده است.^{۲۸} نتیجه آنکه از نظر اقتصادی سرمایه‌گذاری در چنین پروژه‌هایی نامعقول ارزیابی می‌شود چون از نظر سوددهی چندان مقرون به صرفه نبوده و مهمتر از همه به‌خاطر مغایرت نظام‌های تعرفه ترجیحی با اصول تجارت آزاد جهانی ضریب مخاطره و ریسک تداوم چنین پروژه‌هایی در بلندمدت بالا می‌باشد.

بالاخره آنکه با بررسی داده‌های آماری و اقتصادی مختلف هنوز نمی‌توان تحقق وعده دستاوردهای چشمگیر برای اقتصاد مصر در قالب کوئیز را تایید نمود، چنانکه تا زمان حاضر نه وعده انعقاد قرارداد تجارت آزاد میان مصر و آمریکا پس از اجرائی شدن کوئیز محقق شده است و نه اینکه هیچ علامت و نشانه خاصی دال بر دستاورد قابل توجه کوئیز برای حل مشکلات و نابسامانی‌های عظیم صنایع نساجی مصر بدست آمده است بنابراین مهمترین نتیجه عملی و ملموس چنین قراردادی صرفاً تلاش جهت مشارکت دادن امکانات صنایع نساجی مصر در خدمت اقتصاد جهانی و با توجه به اصل اقتصادی مزیت نسبی بوده است که البته مصری‌ها در چنین بستری هنوز موفق به پیدا کردن راه حلی برای معضل راه‌های تقویت اقتصاد ملی خود در چارچوب سهیم شدن در اقتصاد جهانی نشده‌اند.^{۲۹}

صادرات گاز مصر به اسرائیل

۱- قرارداد صدور گاز مصر به اسرائیل: هیأت دولت مصر در سال ۲۰۰۲ قرارداد صدور گاز به اسرائیل را تصویب کرده است. محتوای قرارداد صدور گاز مصر به اسرائیل کاملاً طبقه‌بندی و سری می‌باشد و حدس زده می‌شود که قرارداد مزبور از ژوئن ۲۰۰۵

لازم‌الاجرا شده است؛^{۳۰} به عبارت دیگر مانند موافقت‌نامه کوئیز قوه مجریه و وزارت نفت مصر نه تنها قرارداد صدور گاز به اسرائیل را برای تصویب تقدیم مجلس ننموده‌اند بلکه اساساً قوه مقننه کمترین اطلاعی از جزئیات این موافقت‌نامه نداشته است. دولت مصر از قرارداد مزبور به‌عنوان پروتکل الحاقی به قرارداد صلح ۱۹۷۹ میان طرفین مصر و اسرائیل تعبیر می‌نماید که نیازی به تصویب قوه مقننه ندارد.^{۳۱} در هر حال برخی رسانه‌های مصری مدعی‌اند قرارداد یاد شده در هفت صفحه در متن انگلیسی آن تنظیم شده و ارزش آن را ۲/۷ - ۲/۵ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند و گفته می‌شود مدت اعتبار قرارداد مزبور ۱۵ سال می‌باشد که دست کم تا پنج سال دیگر قابلیت تمدید خواهد داشت.^{۳۲} آنچه که در رسانه‌های مصری مطرح شده آن است که مطابق این قرارداد روزانه ۱۶۰ میلیون مترمکعب و در سال تقریباً ۱/۲-۱/۷ میلیارد مترمکعب گاز از مصر به اسرائیل صادر خواهد شد. برای این منظور اسرائیلی‌ها خط لوله‌ای را از بندر شیخ زوید در شمال مصر در سینا تا بندر عسقلان در فلسطین اشغالی احداث کرده‌اند.^{۳۳}

برخی رسانه‌های معارض حاکمیت در مصر به نقل از وبسایت اسرائیلی گلوبز مدعی شده‌اند که میزان صادرات گاز مصر به اسرائیل سالانه ۷ میلیارد متر مکعب و برای مدت ۱۵ سال خواهد بود که در متن قرارداد به امکان تمدید آن نیز اشاره شده است.^{۳۴} اما در مورد نرخ توافق شده فروش گاز به اسرائیل باز رسانه‌های مخالف دولت مدعی‌اند مقرر شده هر متر مکعب گاز به میزان ۷۵ سنت تا ۱/۲۵ دلار به اسرائیل فروخته شود همچنین در قرارداد اشاره شده در صورت افزایش نرخ هر بشکه نفت برنت دریای شمال تا ۳۵ دلار قیمت هر متر مکعب گاز صادره به اسرائیل نیز تا ۱/۵ دلار قابل افزایش باشد؛^{۳۵} توضیح آنکه هم‌اکنون نرخ هر بشکه نفت برنت دریای شمال ۸۰ دلار و قیمت جهانی فروش هر متر مکعب گاز ۵ دلار می‌باشد. آنچه که محرمانه نمی‌باشد آن است که هم‌اکنون نرخ فروش هر متر مکعب گاز در بازار داخلی مصر ۲/۶۵ دلار است.^{۳۶} در خصوص قیمت گاز صادراتی به اسرائیل برخی رسانه‌های مصری به نقل از منابع رسانه‌ای اسرائیلی نرخ ۲/۷۵ دلار برای هر متر مکعب گاز را مطرح کرده‌اند. در این رابطه روزنامه مصری البدیل مورخ

۲۴ سپتامبر ۲۰۰۷ به نقل از وبسایت اسرائیلی ((گلوبز)) مدعی شده وزارت برق اسرائیل سالانه معادل ۸۴۰ میلیون دلار از بابت استفاده از گاز مصر برای نیروگاه‌های گازی خود سود می‌برد.^{۳۷}

از جمله مواردی که به قرارداد صدور گاز به اسرائیل نسبت داده می‌شود تصریح به حق اسرائیل در مراجعه به شورای امنیت در صورت قطع صدور گاز از جانب مصر می‌باشد.^{۳۸} در هر حال متعاقب امضای قرارداد مزبور مدت‌هاست که اسرائیلی‌ها عملیات احداث خطوط انتقال گاز از سینا به اسرائیل را شروع کرده‌اند. گفته می‌شود هزینه احداث خطوط یاد شده بر عهده طرف اسرائیلی است چنانکه در این زمینه اسرائیلی طرح‌های احداث خطوط انتقال گاز از زیر کانال سوئز را نیز به طرف مصری پیشنهاد کرده است.^{۳۹} نکته قابل توجه دیگر شایعه واردات گاز اسرائیل از مصر در کمیتی به مراتب بیشتر از نیازها و مصارف داخلی اسرائیل می‌باشد بنابراین برخی گروه‌های مخالف در مصر مدعی‌اند که اسرائیل گاز وارداتی از مصر را دوباره از طریق شرکت موسوم به ((الشرق المتوسط للغاز)) به جهات بین‌المللی دیگر می‌فروشد.^{۴۰} این شرکت مجموعه‌ای مختلط از مصری و اسرائیلی است. مهمترین طرف ذینفع در اسرائیل از گازهای وارداتی، شرکت‌های برق اسرائیلی هستند که مسئولیت تأمین سوخت کارخانه‌های اسلحه‌سازی و احیاناً برخی شرکت‌های تولید مواد غذایی و یا پلاستیک‌سازی را بر عهده دارند.^{۴۱} گفتنی است پس از سقوط مبارک، قرارداد صدور گاز به اسرائیل قطع شد.

۲- شرکت مجری صادرات گاز به اسرائیل: یکی از مهمترین نکات در مساله صدور گاز مصر به اسرائیل شرکت مجری صدور گاز مصر می‌باشد. شرکت EMG (مخفف شرکت گاز مدیترانه شرقی) بعنوان متصدی و مجری طرح صدور گاز مصر به اسرائیل شرکتی مختلط با سرمایه‌های مصری، اسرائیلی و اندکی سرمایه آمریکائی است. یوسی میمان مهمترین سهام‌دار بخش خصوصی اسرائیل و حسین سالم مهمترین سهام‌دار مصری شرکت یاد شده می‌باشند که مجموعاً ۹۰ درصد سهام شرکت یاد شده متعلق به آنها می‌باشد؛ دولت مصر رسماً سهم خود در شرکت EMG را ۱۰ درصد اعلام کرده است.^{۴۲}

شرکت EMG ظاهراً در دسامبر ۲۰۰۵ متعاقب امضای قرارداد با شرکت اسرائیلی DORAD، قرارداد صدور گاز به اسرائیل بمدت ۱۵ سال (قابل تمدید تا پنج سال دیگر) را منعقد می‌نماید. سهام حسین سالم در شرکت EMG ۶۵-۶۰ درصد و سهام یوسی میمان (سرمایه‌دار اسرائیلی) ۳۰-۲۵ درصد و سهم بخش دولتی مصر هم ۱۰ درصد برآورد شده است.^{۴۳} آنچه تقریباً واضح می‌باشد معاملات حسین سالم و یوسی میمان با یکدیگر در خصوص میزان سهام بخش‌های خصوصی مصری و اسرائیلی در شرکت EMG در چارچوب بده بستان‌های کلان اقتصادی ایشان می‌باشد. به عبارت بهتر بعید نیست درصد قابل توجهی از سهام حسین سالم در EMG به اسرائیلی‌ها فروخته شده باشد. نکته دیگر شایعه فروش ۲ درصد از سهام دولت مصر در شرکت EMG به شرکت مختلط آمریکائی - اسرائیلی موسوم به AMPLI است که در صورت صحت خبر مذکور سهم دولت مصر در شرکت EMG از ۱۰ درصد به ۸ درصد کاهش یافته است.^{۴۴}

۳- اقتصاد گاز در مصر: ذخایر گازی مصر در اقصی نقاط مختلف این کشور بالغ بر ۱۲۵ تریلیون متر مکعب برآورد شده است^{۴۵} اما فعلاً تا آخر جولای ۲۰۰۷ با در نظر گرفتن چاه‌ها و ذخایر گازی که بهره‌برداری از آنها شروع شده است تصور می‌شود بهره‌برداری از ذخایر دارای ۷۲/۳ تریلیون متر مکعب گاز شروع شده باشد که حجم اخیرالذکر نیاز ۳۶ سال تأمین انرژی گازی را برطرف خواهد نمود. دولت مصر میزان استخراج گاز را ۵/۶ میلیارد متر مکعب در روز اعلام کرده است بدین ترتیب مصر هجدهمین کشور دارای ذخایر گازی در دنیا و ششمین کشور تولیدکننده گاز در میان کشورهای عربی به‌شمار می‌رود. در اینجا بد نیست اشاره کنیم که مصر با صدور روزانه ۱۷/۵ میلیون متر مکعب گاز مایع یا L.N.G ششمین صادرکننده گاز مایع در دنیا به حساب می‌آید.^{۴۶}

وزارت نفت مصر بارها تأکید کرده است که ۷۱-۷۰ درصد از حجم کل گاز تولیدی در داخل کشور به مصرف می‌رسد و تنها ۳۰-۲۹ درصد از گاز مصر به خارج از کشور صادر می‌شود.^{۴۷} توضیح آنکه رقم صادرات مصر در زمینه‌های نفت و گاز سالانه ۱۰/۱ میلیارد دلار یعنی معادل ۵۴ درصد کل صادرات مصر به خارج از کشور بوده است که سهم درآمد ناشی

از صدور گاز ۲/۶ میلیارد دلار در پایان سال ۲۰۰۶ اعلام شده است. البته قرار است طی پنج سال آینده سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز به ۲۰ میلیارد دلار برسد (بخاطر اکتشافات و استخراجات جدید و ایفای نقش در انتقال و صدور مجدد فرآورده‌های نفت و گاز).^{۴۸}

دولت مصر مهمترین شرکت‌های گازی خریدار گاز مصر را بریتیش پترولیوم، بریتیش گاز، E.N.I-AGIPt (شرکت ایتالیائی)، شرکت نفتی شل و UNION FENOSA (شرکت اسپانیائی) اعلام کرده است که بیشتر آنها از طریق انعقاد قرارداد با شرکت مصری موسوم به ایگاس (مخفف شرکت گاز طبیعی مصر) همکاری با وزارت نفت مصر در زمینه اکتشاف، تولید و استخراج گاز را شروع کرده‌اند.^{۴۹} وزارت نفت مصر مدعی است ایگاس تاکنون ۲۳ قرارداد همکاری و از جمله سرمایه‌گذاری در زمینه‌های گازی با شرکت‌های مختلف خارجی منعقد کرده که ارزش این قراردادها دست کم ۱/۳ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.^{۵۰} ایالات متحده آمریکا، انگلستان و ایتالیا از مهمترین سرمایه‌گذارهای خارجی در بخش نفت و گاز مصر شناسائی شده‌اند^{۵۱} هر چند در خصوص میزان و ارقام سرمایه‌گذاری کشورهای یاد شده در نفت و گاز تاکنون هیچ آماری ارائه نشده است.

بر اساس گزارش منسوب به سفارت آمریکا در قاهره که مورد تأیید انجمن تجار مصر نیز می‌باشد و در هفته‌نامه انگلیسی زبان الاهرام ویکلی (۲۰۱۴ ژوئن ۲۰۰۷) خلاصه‌ای از آن منتشر شده آمده است که به دنبال شروع روند خصوصی‌سازی در مصر (از سال ۲۰۰۴ به اینطرف) رشد بخش گاز در این کشور از رقم ۲۰/۶ درصد در سال مالی ۲۰۰۵-۲۰۰۴ به میزان ۷۵ درصد در سال مالی ۲۰۰۶-۲۰۰۵ رسیده است که این نشانه فعالیت شرکت‌های خصوصی در بخش گاز می‌باشد. حسب برآورد سفارت آمریکا بخش صنایع گاز نقش بسیار مهمی در ارتقای شاخص تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۶ داشته است (رقم ۶/۸درصد-۱/۶درصد بعنوان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اعلام شده که در چهل سال اخیر بیسابقه می‌باشد).^{۵۲}

۴- توجیه فروش ارزان قیمت گاز به شرکت‌های خارجی: وزیر نفت مصر در توجیه فروش ارزان قیمت گاز به شرکت‌های خارجی ضمن تأیید افزایش بی‌سابقه

و غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت و گاز در دنیا و دل‌مشغولی شدید عالی‌ترین ارکان تصمیم‌سازی سیاسی در مصر نسبت به پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب برای به حداقل رسانیدن عوارض نامطلوب چنین مسأله‌ای بر منافع ملی کشور اضافه می‌کند: «معمولاً قیمت گاز در دنیا نوسانات زیادی داشته است مثلاً در اوایل دهه هفتاد قیمت جهانی گاز بالا رفت و مجدداً پایین آمد و در دهه هفتاد قیمت جهانی گاز حدود چهار سال پایین بود اما کسی باور نمی‌کرد که الان هفت سال قیمت جهانی گاز این چنین بالا بماند»^{۵۳} وی اضافه می‌کند «امروز به‌رغم بالا رفتن قیمت جهانی گاز قیمت خرید آن در دنیا ثابت و در حدود معیار ثابت حداکثر ۲۲ دلار برای هر بشکه نفت خام برنت دریای شمال می‌باشد یعنی حتی اگر قیمت هر بشکه نفت به بالاتر از ۸۰ دلار برسد قیمت خرید گاز ثابت و معادل ۲۲ دلار در ازای هر بشکه نفت خام برنت دریای شمال خواهد بود و این ویژگی تمامی قراردادهای منعقد شده در دهه‌های هفتاد و هشتاد و نود میلادی است»^{۵۴} بنابراین مصر هم عمده قراردادهای گازی خود با شرکت‌های خارجی را در دهه نود میلادی منعقد کرده و نمی‌تواند گاز خود را بیشتر از معیار ۲۲ دلار برای هر بشکه نفت برنت دریای شمال بفروشد. وزیر نفت مصر طرح تعدیل قراردادهای گازی از طریق تسعیر آن با محصولات و فرآورده‌های نفتی را بهترین راه حل برای کاستن از ضررهای ناشی از افزایش قیمت جهانی گاز عنوان کرده و مدعی شده دولت مصر در سال مالی ۲۰۰۶-۲۰۰۷ حدود چهار میلیارد دلار از طریق طرح تسعیر عایدات داشته است.^{۵۵}

۵- نقش عنصر گاز در فرآیند عادی شدن روابط عربی - اسرائیلی: در

شرایط فعلی با توجه به ماهیت طبقه‌بندی قرارداد صدور گاز مصر به اسرائیل نمی‌توان نسبت به اهداف واقعی و برنامه‌های آتی گسترش همکاری‌های گازی میان مصر و اسرائیل بطور دقیق و علمی قضاوت نمود اما در اینجا می‌توان با در نظر گرفتن چندین کلید واژه به بررسی نقش احتمالی عنصر گاز در عادی‌سازی روابط عربی - اسرائیلی اشاره نمود: اولاً چندان دور از ذهن نیست که مانند طرح کوئیز هدف اصلی از انعقاد قرارداد صدور گاز مصر به اسرائیل هدف سیاسی و نه اقتصادی عادی‌سازی روابط مصری - اسرائیلی بوده

باشد چنانکه بعید است با توجه به افزایش قیمت جهانی گاز کشور مصر واقعاً از قرارداد مزبور منتفع شود ثانیاً با در نظر گرفتن دو پروژه مهم در دستور کار وزارت نفت مصر یعنی طرح صدور گاز به اروپا از طریق ترکیه و دیگری طرح احداث خط لوله گاز عربی می‌تواند شائبه‌های راهبرد واقعی عادی‌سازی روابط عربی - اسرائیلی را در پروژه‌های مزبور به‌صورت سهیم کردن احتمالی اسرائیل در آنها مدنظر قرار گیرد.

۵-۱- طرح احداث خط لوله گاز عربی: اولین مرحله از طرح احداث خط لوله گاز

عربی در جولای ۲۰۰۳ با مشارکت سران مصر و اردن افتتاح گردید. بر اساس طرح مزبور قرار است در اولین فاز پروژه مذکور خط لوله گاز از العریش در شمال سینای مصر به طابا (مرز مصر و اسرائیل) و سپس به بندر عقبه اردن احداث گردد. در فاز دوم این طرح قرار است خط لوله گاز از بندر عقبه در اردن به شهر رحاب (مرز اردن با سوریه) احداث گردد.^{۵۶} در مارس ۲۰۰۶ وزرای نفت و انرژی چهار کشور عربی مصر، سوریه، اردن و لبنان به اضافه هم‌تایان خود از ترکیه و رومانی موضوع احداث خط لوله گاز عربی و انتقال گاز مصر از سرزمین‌های عربی به ترکیه و سپس اروپا را به بحث گذاردند؛ مهمترین نتیجه نشست مزبور تشکیل دو کمیته مصری - اردنی و دیگری مصری - ترکی برای بررسی راه‌های وصل کردن خط لوله عربی به خط لوله گاز اروپائی بوده است علاوه بر آن بررسی و امکان‌سنجی طرح انتقال گاز مصر به جنوب لبنان از طریق احداث خط لوله عربی مذکور مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین با در نظر گرفتن عوامل ذیل بعید نیست هدف اصلی چنین پروژه‌هایی غیر از ارتقای همکاری‌های درون کشورهای عربی در زمینه انرژی، به‌نحوی فراهم کردن زمینه‌های تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای با اسرائیل در بلند مدت باشد؛ مهمترین عواملی که باعث تقویت چنین سوءظنی می‌شود عبارتند از:

۱- بعید بودن منفعت اقتصادی و مقرون‌به‌صرفه بودن بلکه امکان‌پذیری تأمین گاز کشورهای اردن، سوریه، لبنان، ترکیه و حتی اروپا بوسیله مصر زیرا که مصر فاقد منابع عظیم و گسترده گازی می‌باشد و علاوه بر آن خود مصر بیش از هر جهت دیگری نیازمند گاز تولیدی خود برای مصارف خانگی و صنعتی است.

۲- بعید است با توجه به اختلاف استانداردهای فنی موجود میان خطوط گازی در اروپا با خط گازی مورد نظر اعراب اساساً طرفین عربی و اروپائی نهایتاً در خصوص اتصال خط لوله گاز عربی به خط مشابه اروپائی به توافق برسند چنانکه اتفاقاً در نشست اخیر، وزرای انرژی هم به این مشکل فنی توجه شده است.^{۵۷}

۳- با در نظر گرفتن خط لوله گازی موجود میان بندر شیخ زوید در سینای مصر به بندر عسقلان در اسرائیل طبعاً انتقال گاز مصر به جنوب لبنان از طریق اردن و سپس سوریه چندان منطقی و فنی به نظر نمی‌رسد. بنابراین پروژه مذکور تنها در صورت انتقال گاز مصر از قلمرو رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان می‌تواند توجیه اقتصادی پیدا کند.

۴- اقناع رژیم صهیونیستی به خرید گاز نوار غزه از دولت خودگردانی به‌رغم به قدرت رسیدن حماس در غزه می‌تواند کلید فهم جدیدی برای مسأله نقش گاز در عادی‌سازی روابط عربی - اسرائیلی باشد.

۵- با توجه به وجود خطوط انتقال گاز از سینای مصر به داخل اسرائیل همچنین امکان‌پذیری فنی اتصال خطوط گاز موجود در اسرائیل به خط گازی ترکیه و سپس اروپا (از طریق سوریه و احتمالاً لبنان)، طرح‌های تبلیغاتی پرهزینه احداث خطوط گاز از زیر دریا آن هم در مسافت‌های طولانی برای انتقال گاز مصر به اروپا چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

۶- حضور عواملی مانند ترکیه، اردن و جهات اروپائی به‌عنوان مهمترین تسهیل‌کنندگان فرآیند عادی شدن روابط اقتصادی عربی - اسرائیلی می‌تواند علامت دیگری بر استفاده از عنصر گاز در راهبرد گسترش روابط عربی - اسرائیلی باشد.

نتیجه‌گیری:

مهمترین اولویت و راهبرد در روابط اقتصادی میان مصر و اسرائیل تلاش در تعمیق روابط سیاسی طرفین و تثبیت مبانی و پایه‌های پذیرش موجودیت رژیم صهیونیستی در کنار مصر می‌باشد؛ بنابراین در این مقطع دستیابی به منافع اقتصادی معمول در یک

تعامل اقتصادی دو جانبه چندان مدنظر نمی‌باشد؛ به عبارت بهتر به‌خاطر مشکلات و بی‌اعتمادی‌های عمیق متقابل میان مصر و اسرائیل در این مرحله لازم است مانند پروژه کوئیز طرف سومی (آمریکا) هزینه گسترش روابط اقتصادی مصر و اسرائیل را تقبل نماید چنانکه در موضوع صدور گاز مصر به اسرائیل هم احتمالاً به‌جای تمرکز بیشتر بر سودآوری معمولی در یک معامله اقتصادی باز هم ملاحظات و مسائل سیاسی مدنظر بوده است. نکته آخر اینکه در هر دو طرح کوئیز و یا همکاری‌های گاز میان دو طرف ذکر شده، علاوه بر ضمانت‌ها و مشوق‌های طرف‌های آمریکائی همچنین ارائه تسهیلات مالی و سرمایه‌گذاری دیگر گروه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (مثل ترکیه یا اروپا) بیشتر راهبرد عادی‌سازی روابط اسرائیل با محیط پیرامونی عربی و اسلامی آن مطمئن نظر بوده و هست. برخی بر این باورند که راهبرد کلان گسترش روابط اقتصادی میان مصر و اسرائیل فراتر از روابط دو جانبه معمولی است و تنها بخشی از پروژه سیاسی و اقتصادی عظیم‌تر اتصال خاورمیانه اسلامی به جهان غرب (اروپا و آمریکا) از طریق اسرائیل می‌باشد به‌عبارت دیگر پروژه تعامل مشترک اسرائیل با خاورمیانه اسلامی در لفافه الزامات نوین اقتصاد جهانی در دستور کار می‌باشد. در این رابطه شاهدیم که گسترش روابط اقتصادی میان مصر و اسرائیل بصورت خودکار با گسترش تعاملات اسرائیل با دیگر طرف‌های منطقه‌ای و از جمله اردن و ترکیه همزمان شده است از طرف دیگر شاهد افزایش مبادلات تجاری آمریکا با دو کشور عربی نامبرده همزمان با گسترش روابط تجاری آنها با اسرائیل هستیم که طبیعتاً الگوهای مزبور ارتباط معناداری با یکدیگر پیدا می‌کند.

این روند از تابستان سال ۲۰۱۱ و در پی سقوط حسنی مبارک کاملاً دگرگون شد. رژیم صهیونیستی اسرائیل، علاوه بر عمق استراتژیک از جانب منابع انرژی نیز دچار دشواری‌های حادی شده است. انزوای اسرائیل با تحولات آتی جهان عرب و جهت‌گیری رژیم‌های جدید آشکارتر خواهد شد. تجربه ترکیه‌ی دموکراتیک، اسرائیل را نسبت رژیم به رژیم‌های مردم‌سالار شدیداً بدبین کرده است. اسرائیلی‌ها بیم از آن دارند که در آینده با حکومت‌های سخت‌گیر و دموکراتیک پرتعدادی رویارو شوند.

منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- یحیی عبدالمحسن، رباب، «کامب دیفید؛ خروج مصر الی التیه»؛ مکتبه مدبولیف قاهره ۲۰۰۵ ضمائم کتاب، ص ۱۲۴
- ۲- «مرور ۳۰ سنه علی زیاره رئیس سادات لاسرايیل»، التواصل، وبسایت رسمی وزارت خارجه اسرايیل www.altawasol.gov.is به زبان عربی، نوامبر ۲۰۰۷
- ۳- پیشین، وبسایت وزارت خارجه اسرايیل به زبان عربی. www.altawasol.gov.is
- ۴- «ندوه الابعاد الاقتصاديه و السياسيه لبروتوکل الکوئیز المصری و خبره التجربه الاردنيه»؛ مرکز الدولی للدراسات المستقبلیه و الاستراتيجیه ۲۰۰۵، ص ۱۷
- ۵- ذاکری؛ سید قاسم، (۱۳۸۶)، «بررسی ابعاد اقتصادی قرارداد کوئیز در مصر»، فصلنامه مطالعات آفریقا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ش ۱۵، ص ۲۶۴
- ۶- «تقییم اقتصادی لحصاد عام مزی علی بروتوکل الکوئیز المصری»، تقریر الاتجاهات الاقتصاديه الاستراتيجیه، موسسه الاهرام، القاهره ۲۰۰۶، ص ۷۵.
- ۷- پیشین، ص ۷۳.
- ۸- پیشین، ص ۷۱.
- ۹- روزنامه الاهرام، ۲۰۰۷/۱۰/۱۰ و THE EGYPTIAN GAZETTE، ۲۰۰۷/۱۰/۲۴، صفحه ۵
10- THE EGYPTIAN GAZETTE, IBID PAGE 5.
- ۱۱- ذاکری، سید قاسم، پیشین، ص ۲۴۳.
- ۱۲- ذاکری، سید قاسم، پیشین ص ۲۴۳.
- ۱۳- «برتوکل المنطقه الصناعيه الموهله الکوئیز بین مصر و اسرايیل»، التواصل، موقع الرسمی تابع لوزاره الخارجیه الاسرايیلی WWW.ALTAWASOL.GOV.IS
- ۱۴- جریده الاهالی، ۲۰۰۷/۱۰/۳، ص ۳.
- ۱۵- العربی، الاسبوعیه، رقم ۱۰۸۲، ۲۰۰۷/۱۱/۱۱، ص ۱۲.
- ۱۶- موقع المصراوی بتاريخ ۲۰۰۷/۱۱/۲۷. WWW.ALMESRAWY.NET
- ۱۷- الکرامه، ش ۷۰، تاریخ ۲۹/۱۰/۲۰۰۷، ص ۴
- ۱۸- الکرامه، پیشین، ص ۴.
- ۱۹- الکرامه، پیشین، ص ۴.
- ۲۰- الکرامه، پیشین، ص ۴.
- ۲۱- «تقییم اقتصادی لحصاد عام مزی بروتوکل الکوئیز المصری»، پیشین، ص ۷۶.
- ۲۲- «مصر و اسرايیل توقعان اتفاقیه بشأن تعديل اتفاقیه المناطق الصناعيه الموهله الکوئیز»، التواصل، وبسایت رسمی وزارت خارجه اسرايیل بزبان عربی
- ۲۳- روزنامه الاهرام، ۲۰۰۷/۱۰/۱۰، ص ۱۳.
- ۲۴- السید النجار، احمد، «الانهيار الاقتصادي فی عصر مبارک»، دار میریت، قاهره، ۲۰۰۵، ص ۴۲

- ۲۵- روزنامه الاهرام، پیشین.
- ۲۶- السيد النجار، پیشین، ص ۵۶.
- ۲۷- ذاكری، پیشین، ص ۲۶۹.
- ۲۸- ذاكری، پیشین، ص ۲۶۱.
- ۲۹- ذاكری، پیشین، ص ۲۶۸.
- ۳۰- هفته‌نامه الدستور، ۲۰۰۷/۱۰/۱۸، ص ۹.
- ۳۱- هفته‌نامه العربی، ش ۱۰۸۲، ۲۰۰۷/۱۱/۱۱، ص ۲.
- ۳۲- هفته‌نامه الدستور، پیشین.
- ۳۳- روزنامه البدیل، ش ۲۴، ۲۰۰۷/۹/۲۴، ص ۵.
- ۳۴- هفته‌نامه العربی، پیشین، ص ۲.
- ۳۵- هفته‌نامه العربی، پیشین، ص ۲.
- ۳۶- روزنامه الاهرام، مصاحبه با وزیر نفت مصر، ۲۰۰۷/۱۰/۱۸، ص ۴.
- ۳۷- روزنامه البدیل، پیشین، ص ۵.
- ۳۸- هفته‌نامه العربی، پیشین، همان صفحه.
- ۳۹- العالم الیوم، ۲۰۰۷/۹/۱۷، ص ۴.
- ۴۰- هفته‌نامه الدستور، پیشین، همان صفحه.
- ۴۱- و العالم الیوم، پیشین، همان صفحه.
- ۴۲- السيد النجار، احمد، پیشین، ص ۹۱.
- ۴۳- هفته‌نامه العربی، پیشین، همان صفحه.
- ۴۴- هفته‌نامه العربی، پیشین، همان صفحه.
- 45- "Investments in the field of oil and gas", The official Economical Report of the Egyptian Ministry of Foreign Affairs which distributed among diplomatic missions in Cairo. Page1
- 46- Ibid, page 2
- ۴۷- روزنامه الاهرام، مصاحبه با وزیر نفت مصر، پیشین، همان صفحه.
- ۴۸- مصاحبه وزیر نفت مصر با الاهرام، پیشین، همان صفحه و وبسایت رسمی وزارت نفت مصر به آدرس:
www.Petrol.gov.eg
- 49- "Investments in the field of oil and gas", ibid, page3 & www.petrol.gov.eg
- ۵۰- مصاحبه وزیر نفت مصر با الاهرام، پیشین، همان صفحه & (ibid)) (investments in the field of oil and gas).
- 51- "Investments in the field of oil and gas", ibid, page3
- 52- Alahram weekly, 1420- june 2007, page 11
- ۵۳- مصاحبه وزیر نفت مصر با الاهرام، پیشین، همان صفحه.
- ۵۴- پیشین.
- ۵۵- پیشین.
- 56- www.petrol.gov.eg
- 57- Alahram weekly, ibid, p11